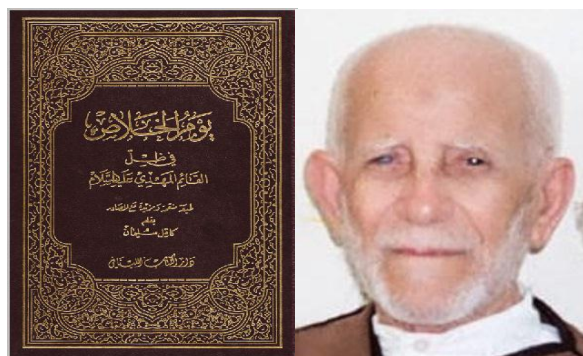


بسم الله الرحمن الرحيم

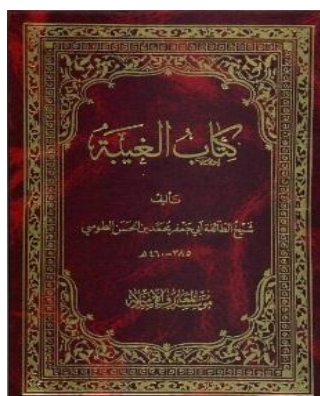
در ادامه به تفاوت دو بحث علائم ظهور و شرایط ظهور می پردازیم . دومقوله متفاوت با معانی مجزا هستند در این جلسه به مورد اول یعنی علائم ظهور می پردازیم و در جلسات بعد به مقوله شرایط ظهور که بسیار مهمتر است خواهیم پرداخت . اولاً معنای علامت چیست؟ همان نشانه است. مثلاً شخصی که بیمار می شود ... مبتلا به کرونا است از علائم بیماری متوجه ابتلا به بیماری می شود . از تب، از درد بدن و ... متوجه ابتلا خواهد شد هر بیماری نسبت به نوع عامل بیماریزا علائمی دارد که پزشک از رصد شرایط تشخیص خواهد داد که بیماری چیست. در محلی دیگر آتشی شعله ور شده؛ چیزی در حال سوختن است، دودی را ما از دور مشاهده می کنیم این دود علامت سوختن است. این در خصوص نکته اول، پس دریافتیم که علامت پس از بروز علت رخ خواهد داد نه قبل از آن. علائم معلول علت هستند. اول ویروسی وارد بدن می شود انسان بیمار می گردد سپس علائم بیماری بروز می کند . اول کاغذی در معرض حرارت قرار میگیرد سپس آتش می گیرد شعله پدیدار میشود و دود آن به آسمان منتشر خواهد شد . لذا علامت هیچگاه جنبه سببیت ندارد اما جنبه کاشفیت دارد. پزشک از علامت کشف می کند که شخص مریض شده است . درمورد ظهور هم همینطور است، ما یک علامت ظهور داریم یک علامت آخرالزمان و یک علامت قیامت. این سه مقوله از یکدیگر مجزا هستند. زمانی گفته می شود علائم ظهور که مربوط به بحث مهدویت است، زمانی گفته میشود علائم آخر الزمان است که ارتباط مستقیم با بحث مهدویت ندارد گرچه ممکن است بعضی از مصادیق آن مهدویت را هم در برگیرد . آخر الزمان در آئینه روایات یعنی آینده دارد، حتی قبل از اسلام و روایات اسلامی کتابی موجود است به نام "جاماسب نامه" که در جلسه دوم در خصوص آن اشاراتی گردید، در آن آمده است که پیامبر آخر الزمان در بین کوههای مکه پدیدار خواهد شد. در آنجا به پیامبر اسلام، پیامبر آخر الزمان گفته شده است. روایت داریم از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که در آخر الزمان بوزینه ها از منبر من بالا میروند. (بحث در خصوص آخر الزمان نسبی است. زمانی که در حدیث به عنوان آخر الزمان از آن یاد شده است، آینده را شامل خواهد شد.) همانطور که که در حدیث بالا مصداق را در زمان بنی امیه یافتیم . لذا هرجایی که در روایات ذکر شده آخر الزمان صرفاً به معنای زمان ظهور و بحث مهدویت نیست. این اشتباه بزرگی است که رایج هم شده است. هرچه روایت درخصوص آخر الزمان وجود دارد ربط به مهدویت و زمان ظهور داده می شود و این اشتباه است. در اکثر این روایات مقصود، آینده است. پس نتیجه این شد که روایات آخر الزمان مختص ظهور نیست و از این دست روایات هم فراوان داریم که اشاره به آخر الزمان (آینده) دارند .

مثلاً کامل سلیمان در کتاب روزهای رهایی^۱ (یوم الخلاص) نزدیک به ۶۰۰ مورد را ذکر میکند به عنوان علائم ظهور در حالی که عموماً علائم آخر الزمان هستند نه ظهور حضرت مهدی ...



نکته بعدی این است که علائم قیامت نیز غیر از علائم ظهور هستند. مثلاً طلوع خورشید از مغرب، این یکی از علامت‌های قیامت است نه ظهور، یکی از علما بزرگ معاصر در کتاب خودش یکی از علائم ظهور را طلوع خورشید از مغرب عنوان می‌کند که این مطلب از علائم قیامت است و صراحتاً گفته شده است. ایشان آمده این مطلب را با انقلاب اسلامی گره زده و می‌گوید خورشید امام خمینی(ره) است و منظور از غرب هم نوفلوشاتو است که البته این نظر صحیح نیست و در این مقوله خورشید همان خورشید و بحث طلوع و غروب هم مربوط به همان است.

نکته از همه مهمتر این است که: ما یک ظهور داریم در بحث مهدویت و یک قیام. بین ظهور امام زمان (علیه السلام) و قیام ایشان هم فاصله است. متأسفانه در این میان هم برخی از مؤلفین تفکیک قائل نشده اند.



در کتاب "الغیبه" شیخ طوسی صراحتاً در متن کتاب آمده که پنج علامت قبل از قیام آن حضرت (خمس علامات قبل قیام القائم محتومات ...) که مترجم در ذیل عبارت اصلی ترجمه کرده پنج علامت قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)! قیام با ظهور متفاوت است اینجا مترجم

^۱ روز رهایی؛ در سایه‌سار مهدی موعود ترجمه فارسی کتاب یوم الخلاص اثر کامل سلیمان به زبان عربی است که در دو جلد به بررسی شخصیت امام مهدی (ع)، غیبت، نشانه‌های دوره‌ی ظهور می‌پردازد. این کتاب به کوشش لطیف راشد به فارسی ترجمه شده است و انتشارات ارمان طوبی انتشار آن را به عهده داشته است. این اثر در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ در یک جلد منتشر شده است

چون احتمال داده که قیام همان ظهور است از کلمه ظهور استفاده کرده. بعداً مؤلفین محترم وقتی به جای متن اصلی به ترجمه کتاب مراجعه کردند متأسفانه این خطا را منتشر نموده و به کتب دیگر هم وارد شده است. در این زمینه مترجم زبردست بوده اما به دلیل نداشتن تخصص در زمینه مهدویت این دو کلمه را جابجا استفاده کرده است.

بین ظهور و قیام حضرت فاصله است بنا به دلایل روایی، عقلی و عرفی که عرض خواهد شد، اولاً: روایت داریم که محتمل‌ترین روز برای ظهور آن حضرت مصادف با ۲۳ ماه مبارک رمضان و روز جمعه است و همچنین محتمل‌ترین روز برای قیام آن حضرت روز عاشورا و مصادف با روز شنبه است. بعضی در این خصوص گفته اند که روایات با هم تعارض دارد که البته این هم نشأت گرفته از همان اشتباهی است که در بالا اشاره شد، در ترجمه فارسی در هر جا کلمه ظهور را اشتباهاً به کار برده است. عرفاً و عقلاً هم این انتظار میرود که بین ظهور و قیام فاصله باشد. در زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم مبعوث شدند دفعتاً شمشیر برنداشتند و جنگ را آغاز کنند، سه سال دعوت مخفیانه داشتند سپس دعوت آشکار داشتند یاران حضرت جمع شدند سفیران آن حضرت به بلاد سفر کردند ماهیت دعوت تبیین شد؛ اتمام حجت کردند بعد از این مراحل، جنگ شروع شد. در روایت داریم که امام زمان (علیه السلام) نیز همین رویه را دارند پس از ظهور خود را معرفی می کنند و برای اقشار مختلف مردم خود را می شناسانند و سفیران خود را به سرزمین‌های مختلف می فرستند مانند نفس زکیه و ... و اتمام حجت می شود سپس گروه گروه مردم بیعت می کنند با آن حضرت در ادامه با سفیانی ها و دجال‌ها وارد جنگ می شوند. لذا عرفاً و عقلاً هم پذیرفته نیست که امام زمان در روز اول که ظهور کردند دست به شمشیر بگیرند و قیام کنند.

تا کنون چند نکته توضیح داده شد. علائم با یکدیگر فرق می کنند علائم ظهور، علائم آخر الزمان و علائم قیامت. در بین ظهور حضرت و قیام ایشان فاصله است و نکته اینجا است که پنج علامتی که در روایات آمده قبل از قیام اتفاق می افتد نه قبل از ظهور. اشتباه ما همینجا است که دائماً ما در حال رصد کردن و مطابقت دادن رخدادها هستیم و گفته می شود این اتفاق رخ داد پس به ظهور امام زمان (علیه السلام) نزدیک هستیم یا قریب است که امام زمان (علیه السلام) ظهور کند در حالی که تمام علائمی که ما انتظار رخدادش را می کشیم قرار است بعد از ظهور و قبل از قیام حضرت اتفاق بیوفتد. همانطور که گفته شد علامت جنبه کاشفیت دارد. در روز جمعه شخصی از مکه ندا سر می دهد که من امام زمان هستم، مردم از کجا متوجه می شوند که او راستگو است؟ نگاه می شود به علامت‌هایی که بعد از ندای اناللمهدی او رخ می دهد که اولین آن در همان روز اتفاق خواهد داد.

بعضی می گویند که ما کلاً علائم را با این بیان کنار زده ایم و ظهور را خیلی دور کرده ایم چون آنان اهل مطابقت در اتفاقات هستند و علائم را قبل از بروز علت جستجو می کنند. مثلاً بروز داعش را با خروج سفیانی تطبیق می دهند یا کرونا را شیوع نوعی بیماری که در روایات داریم تطبیق می دهند یا انصار الله یمن را با قیام یمانی ... پس ظهور نزدیک است، علی ای حال اولاً اینها اکثراً علائم آخر الزمان است نه علامت ظهور دوماً علائم بعد از ظهور اتفاق می افتند . شاید گفته شود که با این تفاسیر ظهور را بسیار دور میبینیم ... ابدأً، اتفاقاً با این شرایط ظهور بسیار نزدیک و بدون تشریفات است؛ حتماً باید بیماری همه گیر در میان مردم شیوع یابد تا حضرت ظهور کنند؟ اصلاً وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) چه نیازی به این دارد که بیماری منتشر شود و پس از آن ظهور کنند، و ما شأن ایشان را آنقدر تنزل داده ایم که گفته میشود باید این اتفاقات رخ دهد تا ایشان ظهور کنند. نیازی نیست انصاراللهی قیام کند تا حضرت ظهور کنند ایشان بدون هیچ علامت قبلی ظهور خواهند کرد ان شاءالله و پس از ظهور حضرتش علائم یک به یک اتفاق می افتند در غیر اینصورت شرایط تنبیل پرور خواهد شد، کسانی که تنبیل هستند می نشینند تا علائم ظهور را ببینند بجای اینکه شرایط ظهور را محیا کنند . لذا این هجمه ای که به مباحث فوق وارد میشود که شما ظهور را دور می بینید بیشتر برمی گردد به تن پروری و تنبیل پروری خودمان.

ان شاءالله در جلسات آینده مورد به مورد می پردازیم به علائم ظهور حضرت در آینه آیات و روایات

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته